



امروز شما



فرودین

چرا این روزها در مورد وظایف خود سهل انگاری می کنی؟ درست است که گرفتاری های متعددی داری اما این دلیل نمی شود به کسانی که دوستانشان داری و یا آنها تو را دوست دارند، بی توجه باشی.

اردیبهشت

نسبت به زندگی باید خوشبین و امیدوار بود. باید به این نکته ایمان داشت که می توان به اهدافی متعال رسید هر چند این آرزو راهی دشوار و خطرناک را پیش پای تو بگذارد. مطمئن باش که موفق خواهی شد.

خرداد

رفته رفته اوضاع بهتر خواهد شد. هیچ چیز یکباره و ناگهانی اتفاق نمی افتد و باید مراحل را طی کند که شاید از نظر تو پنهان باشد. این موضوع هم باید مراحل خود را طی کند بنابراین نباید عجله کنی.

تیر

گذشت و بخشش تو موجب می شود که روحیه ای آرام و وجدانی آسوده داشته باشی. بگذار او مدیون تو باشد و احساس کند که تو در حق او لطف کرده ای.

مرداد

تقدیر تو را در معرض آزمایش مهمی قرار داده است. باید از این فرصت استفاده کنی چون دیگر چنین موقعیتی نصیبت نخواهد شد. باید به آینده امیدوار باشی.

شهریور

مسئله در زندگی عاطفات پیش می آید که پیش بینی های تو را تا حدودی دچار تغییر می کند.

بهمن

تا زمانی که قلب خود را در خدمت عشق درنیاورده باشی، آزاد و رها هستی. اما وقتی در دام عشقی افتاد دیگر آزاد نیست و همین اسارت برای او بهترین آزادی است.

اسفند

وقتی کسی توجه تو را به خود جلب کرده باشد، چطور می توان رفتار سردی با او داشت؟! به خود اعتماد داشته باش و از آشکار کردن احساسات درونیات نگران نباش.

یبهمن

پایه می رسد که دوباره احساسات خفته تو را بیدار می کند. این موضوع این روزها فکر تو را به خود مشغول کرده. از خیر این قضیه بگذر چون اگر وارد این ماجرا شوی دچار ضرر و زیان می شوی.

دی

پیغامی می رسد که دوباره احساسات خفته تو را بیدار می کند. این موضوع این روزها فکر تو را به خود مشغول کرده. از خیر این قضیه بگذر چون اگر وارد این ماجرا شوی دچار ضرر و زیان می شوی.

آبان

در پی تفاهمی که ایجاد می شود روزهای خوشی را تجربه خواهی کرد. در سایه عشق و همدلی، می توان زندگی شیرینی را تجربه کرد. این شیرینی را نباید به هیچ قیمتی تلخ کرد.

آذر

برای اولین بار در زندگی رابطه ای را می بینی که گرم و صمیمانه است. ایجاد رابطه ای شفاف و صمیمی است.



شاهکار گمشده زیر یک نقاشی پیدا شد

«ورتیسیم»، تصویری از پرتره «آیریس بری» منتقد فیلم را به تصویر می کشد. زمانی که دو دانشجو هنر این نقاشی را مورد بررسی قرار دادند دریافته «پرسکتیلا» درحقیقت روی «آتلانتیک سیتی» نقاشی شده است.

با توجه به ناهموار بودن بافت رنگ های نقاشی «پرسکتیلا» و دیده شدن رنگ قرمز روشن از زیر ترک های روی «پرسکتیلا»، متخصصان به این اوان مسئله شک کرده بودند که شاید «پرسکتیلا» روی نقاشی دیگر خلق شده باشد.

دو دانشجو با استفاده از اشعه ایکس - ری و سایر فناوری های مرتبط این نقاشی را مورد بررسی قرار دادند. در نهایت آن ها موفق شدند طرحی از یک نقاشی انتزاعی را زیر پرتره پیدا کنند. ادامه تحقیقات نشان داد این نقاشی که زیر پرتره «پرسکتیلا» پنهان شده است درحقیقت همان «آتلانتیک سیتی» گمشده است.

«ساندرز» یکی از دو زنی بود که به جنبش «ورتیسیم» پیوست. به گفته مدیر گالری «کورتاالد»، در سال های پیش از آغاز جنگ، «ساندرز» یکی از نقاشان مهم بود.

در آن زمان افراد انگشت شماری در اروپا می توانستند چنین نقاشی های انتزاعی خلق کنند.

«ورتیسیم» یک جنبش ادبی و هنری بود که تحت تأثیر کویسیم و آرتی گری و آثاری که با استفاده از رنگ های سرزنده، خطوط واضح و زاویه های تند خلق می شدند شکل گرفت.

«تی اس ایوت» و «آزرا پاوند» شاعران برجسته نیز از حامیان این جنبش بودند.

یک شاهکار گمشده که توسط یکی از نقاشان نامدار قرن بیستم خلق شده بود، اخیراً در زیر لایه ای از یک نقاشی دیگر کشف شد. به گزارش ایرنا و به نقل از گاردین، تابلو نقاشی «آتلانتیک سیتی» اثر «هلن ساندرز» نقاش انگلیسی و برجسته سبک هنر انتزاعی و یکی از اعضای جنبش هنری «ورتیسیم»، یک شهر مدرن را با استفاده از رنگ های سرزنده به تصویر می کشد.

کمی پیش از آغاز جنگ جهانی اول، مجله هنری «بلست» تصویر سیاه و سفیدی از این نقاشی «ساندرز» را منتشر کرد.

تقریباً تمام نقاشی های سبک «ورتیسیم» این هنرمند اکنون گمشده محسوب می شوند، با این حال طراحی های این هنرمند هنوز باقی مانده اند و در ماه اکتبر در گالری واقع در لندن به نمایش گذاشته خواهند شد.

تابلو نقاشی «پرسکتیلا» اثر «ویندهام لویس» بنیان گذار جنبش

کشف بقایای کفتار غارنشین در قدیمی ترین محوطه باستانی ایران

با پایان فصل سوم کاوش های باستان شناسی غار قلعه کرد آوج، سرپرست کاوش از کشف بقایای کفتار غارنشین در این محوطه باستانی خبر داد.

به گزارش ایلنا، حامد وحدتی نسب با اعلام این خبر گفت: سومین فصل از کاوش های باستان شناسی تیم مشترک ایران و فرانسه با همکاری «ژیل بریون» استاد موزه انسان شناسی پاریس و با دستیابی به مواد فرهنگی قابل توجهی به پایان رسید.

سرپرست کاوش های قدیمی ترین محوطه باستانی ایران با اشاره به قدمت لایه های این فصل از کاوش ها، اظهار کرد: در این فصل، نتایج سن سنجی مواد فرهنگی این غار که در فصل دوم به آزمایشگاه سن سنجی در موزه انسان شناسی پاریس ارسال شده بود، نشان دهنده سه لایه استقرار با قدمت های ۱۶۰، ۲۱۰ و بالای ۴۰۰ هزار سال برای غار قلعه کرد بود که این محوطه را به قدیمی ترین محوطه باستانی ایران تبدیل کرد.

وی ادامه داد: در کنار نتایج سن سنجی، کشف دست افزارهایی با سنت های تراشه برداری قدیمی تر از پارینه سنگی میانی، حاکی از حضور و زیست گونه های دیگری از انسان به جز انسان هوشمند کهن و انسان نئاندرتال در این محوطه است.

مدیر گروه باستان شناسی دانشگاه تربیت مدرس با اشاره به دیگر کشفیات این فصل از کاوش ها افزود: فک پایین انسان مدرن و همچنین بخش بالایی جمجمه نوعی از کفتار منقرض شده به نام «کفتار غارنشین» که مابین ۵۰۰ هزار تا ۱۱ هزار سال پیش روی



کره زمین می زیسته و برای نخستین بار از ایران گزارش شده، از دیگر کشفیات این فصل از کاوش ها به شمار می روند.

وحدتی نسب با بیان اینکه این یافته ها برای حفاظت و نگهداری تحویل موزه قزوین شده، خاطرنشان کرد: امیدواریم با حمایت اداره کل میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی استان قزوین شاهد انجام فصل های آینده کاوش در مهم ترین محوطه های باستانی ایران باشیم.

بنا بر اعلام روابط عمومی میراث فرهنگی قزوین، غار قلعه کرد آوج در ۲۰ کیلومتری برج های دوگانه خرقان در دهستان حصار از توابع بخش مرکزی آوج واقع شده که پس از عبور از دهانه غار و فرود از یک چاه راه ۱۵ متری، تالاری به وسعت بیش از هزار مترمربع نمایان می شود که دارای چکیده ها و چکنده های فوق العاده زیبایی است. این غار از قدیمی ترین مناطق سکونت انسان در ایران است که به لحاظ غنای یافته های باستان شناسی و بقایای انسانی یافت شده یک محوطه بی نظیر و کاملاً یگانه است.

همایون شجریان ۲ قطعه معروف قدیمی را بازخوانی کرد

به گزارش مهر، دو قطعه مشهور «مینا» و «شیرین سوزه» از قطعات مشهور و قدیمی زبان کردی هستند و چه بسا که ریتم شاد و مفرحی دارند و بعضاً شاید در مجالس شادی پیش شوند.

حال همایون شجریان تصمیم گرفته با بازخوانی این دو قطعه و تنظیم آنها توسط آرش گوران، این دو اثر را به کردهای کشور تقدیم کند و درباره تولید آنها نوشته است: «شجریان درباره چگونگی بازخوانی تصنیف های مینا گیان و شیرین سوزه در صفحه اینستاگرام خود نوشت: «با درود بر شما مهربانان عزیز، اجرای دو تصنیف «مینا جان» و «شیرین سوزه» به زبان کردی، شرحی دارد که در این نوشته به اختصار به آن می پردازم. در سال ۲۰۰۸ میلادی افتخار این را داشتم که زیر سایه پدر و در رکاب گروه آوا برای اجرای کنسرت به سلیمانیه عراق سفر کنم. در آنجا مهمان نوازی و مهربانی بی دریغ مردم و اصحاب هنر در لحظه لحظه سفر همچون گرمای جان بخش آفتاب شامل حال ما بود و جز قدردانی و تشکری ساده، کاری از



مریم سعادت:

«یوسف حاتمی کیا» از پدرش خرج نمی کند



مریم سعادت این روزها دو فیلم خانواده سینما دارد؛ یک فیلم خانوادگی به نام «شب طلایی» و یکی هم کمدی «کوزوو». از بین این دو فیلم فقط از یکی رضی است و دیگری را هر چند شاید پیش داوری کند ولی حس خوبی نسبت به آن ندارد.

این بازیگر با سابقه تئاتر، سینما و تلویزیون که تجربه همکاری با کارگردان های سرشناسی را داشته سال گذشته در فیلمی بازی کرد که هم فیلمسازش اولین تجربه خود را پشت سر می گذاشت و هم خودش نقشی بسیار مسن تر از خودش را ایفا می کرد اما هر قدر نتیجه کار در این فیلم یعنی «شب طلایی» به کارگردانی یوسف حاتمی کیا برایش لذت بخش از آب درآمد، تصوراتش از «کوزوو» نقش بر آب شده است.

او در گفت و گویی با ایسنا در این باره می گوید: شاید نظرم نسبت به «کوزوو» پیش قضاوت باشد چون آن را هنوز روی پرده ندیده ام ولی حس خوبی نسبت به آن ندارم. بار اولی که متن را خواندم به نظرم آمد این فیلم می تواند جایگاه خاصی در میان کارهای کمدی داشته باشد، البته نه به این معنا که یک کار فوق العاده باشد ولی تصور می کردم می تواند سری در میان فیلم های کمدی دریاورد که براساس آنچه سر صحنه دیدم بعید میدانم جایگاه خود را پیدا کند.

سعادت با سابقه سالها کار در عرصه بازیگری درباره اینکه چرا ناراضی نیست خود را سر کار ابراز نکرده به سکانس های کوتاه خود اشاره می کند و می گوید: من دو سکانس بیشتر نداشتم و کلا فیلم با حضور چند هنرپیشه قدیمی پیش رفت که همه با سکانس های کم و بازی در حد چند روز کوتاه آمده بودند با این وجود فکر می کنم این فیلم می توانست جای ویژه ای پیدا کند و اثری شیرین در مقایسه با هم ترند خاص خودش را دارد. «من آدم بسیار حسنی هستم. شاید این خصلمت بخاطر کار کودک باشد که در زندگی بسیار انجام دادم. بچه ها را خیلی خوب می شناسم، حس آن ها هیچ وقت دروغ نمی گوید؛ یا از چیزی خوششان می آید یا بدشان می آید.

من هم از بچه ها این را بهره گرفته ام و اگر از همان ابتدا حسم خوب باشد کار می کنم اما اگر خوشم نیاید شرایط پذیرفتن آن پروژه را بسیار سخت می کنم مثلاً یک رقم نجومی پیشنهاد می دهم که شرایط جور نشود. این راهی است که برای نرفتن به بعضی پروژه ها پیدا کرده ام.»

با این وجود مریم سعادت درباره فیلم دیگرش که در حال اکران است، حس و حال بهتری دارد و حضور یوسف حاتمی کیا را به عنوان کارگردان در این حس بی تأثیر نمی داند. او در «شب

طلایی» نقش مادر بزرگ یک خانواده نسبتاً شلوغ را بازی کرده که با خودش اختلاف سنی زیادی دارد. «از یوسف حاتمی کیا آقدر راضی ام که خدا می داند. البته این حس ربطی به حاتمی کیا بزرگ ندارد. در اولین برخوردی که با یوسف داشتم نمی دانستم که آیا این نقش با چهره من همخوان است یا نه، گرم شدم که ببینم جواب می دهد و وقتی تست گرم با طراحی آقای امید گلزاده که کارش دست مریزاد دارد، با دلنشینی زیاد تمام شد یوسف پذیرفت و کار شروع شد. او اگر چه کم سن و سال است اما انسان بسیار بزرگی است و بلد است با آدم ها چطور ارتباط برقرار کند، بلد است با هنرپیشه های ریز و درشت چطور کار کند و جالب است که اصلاً از پدرش خرج نمی کند. او شریف است و این خصوصیت در فیلم هم جاری شد و به نظرم بزرگترین ویژگی فیلم «شب طلایی» همین شریف بودن و سادگی آن است.»

داستان فیلم «شب طلایی» در یک خانه قدیمی روایت می شود و سعادت معتقد است با وجود همین بسته بودن لوکیشن اما فیلم کشش لازم برای دنبال کردن قصه را دارد و در این موضوع همراهی گروه را خیلی مؤثر می داند. «من تقریباً بیش از ۴۰ سال است که در این عرصه کار می کنم ولی گروهی به این شرفی و نجیبی و انسانی ندیده بودم. ما بخاطر جنس روایت فیلم مجبور بودیم هر روز تا شب یا هر شب تا صبح کنار هم باشیم و اینطوری نبود که بعضی ها چند روز آف باشند. تقریباً همگی تا آخر راه همراه بودیم. این ها همه در شرایط پاندمی بود که کار کردن سختی های خود را داشت ولی من چون کار اولم نبود و در این دوران حدود هشت پروژه کار کردم، سعی می کردم مراقبت بکنم تا سلامت باشم. یک اثر خوب کرونا همین بود که ما یاد گرفتیم سلامت تر زندگی کنیم»

حرف که به دوران پاندمی می رسد، سعادت از وضعیت انگیز سینما و تئاتر و اثرات سهمگین کرونا بر آن ها گلگه می کند. «من بیش از همه دلم برای تئاتر این مملکت می سوزد یعنی بیشتر از همه کارهای نمایشی دیگر دلم برای تئاتر می سوزد چون در دوران کرونا تمام شد و مُرد و هنوز هم زنده نشده است. الان فقط با یک تنفس مصنوعی حرکت هایی می زند ولی واقعیت این است که مرده. نمی دانم چرا؟ با این که الان وضعیت پاندمی دوباره اوج گرفته ولی قبل از آن شرایط خوب شده بود و آن وقت هم اتفاقی در تئاتر ندیدم. خیلی دلم برای جماعت تئاتری می سوزد.

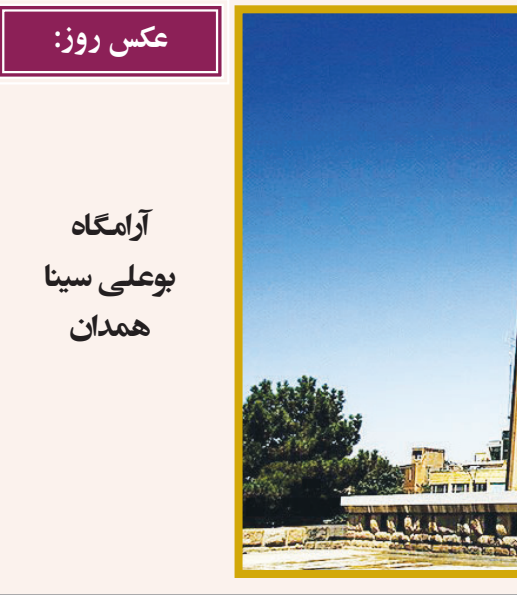
این بچه ها از این راه زندگی می کنند و زندگی شان کاملاً تعطیل شده است. بسیاری از ما سراغ سینما با این وجود مریم سعادت درباره فیلم دیگرش که در حال اکران است، حس و حال بهتری دارد و حضور یوسف حاتمی کیا را به عنوان کارگردان در این حس بی تأثیر نمی داند. او در «شب

طلایی» نقش مادر بزرگ یک خانواده نسبتاً شلوغ را بازی کرده که با خودش اختلاف سنی زیادی دارد. «از یوسف حاتمی کیا آقدر راضی ام که خدا می داند. البته این حس ربطی به حاتمی کیا بزرگ ندارد. در اولین برخوردی که با یوسف داشتم نمی دانستم که آیا این نقش با چهره من همخوان است یا نه، گرم شدم که ببینم جواب می دهد و وقتی تست گرم با طراحی آقای امید گلزاده که کارش دست مریزاد دارد، با دلنشینی زیاد تمام شد یوسف پذیرفت و کار شروع شد. او اگر چه کم سن و سال است اما انسان بسیار بزرگی است و بلد است با آدم ها چطور ارتباط برقرار کند، بلد است با هنرپیشه های ریز و درشت چطور کار کند و جالب است که اصلاً از پدرش خرج نمی کند. او شریف است و این خصوصیت در فیلم هم جاری شد و به نظرم بزرگترین ویژگی فیلم «شب طلایی» همین شریف بودن و سادگی آن است.»

داستان فیلم «شب طلایی» در یک خانه قدیمی روایت می شود و سعادت معتقد است با وجود همین بسته بودن لوکیشن اما فیلم کشش لازم برای دنبال کردن قصه را دارد و در این موضوع همراهی گروه را خیلی مؤثر می داند. «من تقریباً بیش از ۴۰ سال است که در این عرصه کار می کنم ولی گروهی به این شرفی و نجیبی و انسانی ندیده بودم. ما بخاطر جنس روایت فیلم مجبور بودیم هر روز تا شب یا هر شب تا صبح کنار هم باشیم و اینطوری نبود که بعضی ها چند روز آف باشند. تقریباً همگی تا آخر راه همراه بودیم. این ها همه در شرایط پاندمی بود که کار کردن سختی های خود را داشت ولی من چون کار اولم نبود و در این دوران حدود هشت پروژه کار کردم، سعی می کردم مراقبت بکنم تا سلامت باشم. یک اثر خوب کرونا همین بود که ما یاد گرفتیم سلامت تر زندگی کنیم»

حرف که به دوران پاندمی می رسد، سعادت از وضعیت انگیز سینما و تئاتر و اثرات سهمگین کرونا بر آن ها گلگه می کند. «من بیش از همه دلم برای تئاتر این مملکت می سوزد یعنی بیشتر از همه کارهای نمایشی دیگر دلم برای تئاتر می سوزد چون در دوران کرونا تمام شد و مُرد و هنوز هم زنده نشده است. الان فقط با یک تنفس مصنوعی حرکت هایی می زند ولی واقعیت این است که مرده. نمی دانم چرا؟ با این که الان وضعیت پاندمی دوباره اوج گرفته ولی قبل از آن شرایط خوب شده بود و آن وقت هم اتفاقی در تئاتر ندیدم. خیلی دلم برای جماعت تئاتری می سوزد.

این بچه ها از این راه زندگی می کنند و زندگی شان کاملاً تعطیل شده است. بسیاری از ما سراغ سینما با این وجود مریم سعادت درباره فیلم دیگرش که در حال اکران است، حس و حال بهتری دارد و حضور یوسف حاتمی کیا را به عنوان کارگردان در این حس بی تأثیر نمی داند. او در «شب



عکس روز:

آرامگاه بوعلی سینا همدان

دیدند شرایط سختی را گذرانند.

شهروند عکاس

عکس های حرفه ای خود را با کیفیت مطلوب به آدرس ایمیل روزنامه طلوع

toloudaily@gmail.com ارسال

کنید تا در روزنامه درج گردد